

**اگر ایران راه حل میانه پیدا کند
اروپا و آمریکا استقبال می کنند**

منبع اطلاعاتی آمریکا، آژانس نیست اخیرا گروسی در اظهارنظری گفته است بدون توافق با ایران، سایه شمشیر داموکلس پابرجاست. این در حالی است که عراقچی تأکید کرده آژانس فاقد پروتکل های لازم برای بازرسی از مراکز مورد تهاجم است و تا زمان تعیین چارچوب های جدید برای مقابله با تهدیدات ایمنی و امنیتی، امکان بازرسی وجود ندارد.

اصرار آژانس

یک تحلیلگر ارشد سیاست خارجی و روابط بین الملل درباره مذاکرات، مسائل هسته ای و احتمالات پیش رو اظهار داشت: آژانس بیشتر تابع تحولات سیاسی است تا این که ماجر برعکس باشد. مذاکره ما منوط به توافق با آژانس نیست. روابط ما همیشه افت و خیزهای در شرایط مختلف داشته اما هرگاه دو کشور ایران و آمریکا اراده سیاسی خود را بر این موضوع گذاشته اند که مذاکره کنند، آژانس نتوانسته به نیامی تواند مانع شود. اما این موضوع که چرا آژانس بر بازدید از این سه مرکز اصرار دارد، بسیار مهم است. رحمان قهرمان پور گفت: گروسی اعلام کرده ما به مراکزی که بمباران نشده دسترسی داریم. یعنی راستی آزمایی و فعالیت های متداول آژانس در حال انجام است، اما ایران اجازه بازرسی از سه مرکز آسیب دیده تلزن، فوردو و اصفهان را نمی دهد. آقای عراقچی در گفت وگو با خبرگزاری زاین گفت که چون به سه مرکز هسته ای ما حمله شده، پروتکل و دستورالعمل بازرسی از این سه مرکز باید متفاوت باشد. البته آژانس چنین چیزی را نپذیرفته ولی به نظر می رسد توافق مصر در همین چارچوب بود. این تحلیلگر ارشد سیاست خارجی در ادامه بیان کرد: در غده ایران این است که یک سازوکار جدید بازرسی برای این سه مرکز تهیه شود که طبیعتا با بازرسی عادی از این مراکز متفاوت است. این مسئله در آژانس مسیوق به سابقه است. برای مثال از حدود یک سال پیش، آژانس مشغول تهیه پروتکلی برای بازرسی از فعالیت های برزیل و استرالیا در مورد زیررایی های هسته ای است. بنابراین درخواست ایران مبنای حقوقی دارد. آژانس هم حداقل درباره برزیل و استرالیا پذیرفته که یک ساز و کار متفاوتی اتخاذ کند. وی در گفت وگو با «فراره» افزود: اما درباره سایت هایی که پیش از این در دیگر نقاط جهان بمباران شده اند، مثل دیرالزور سوریه در سال ۲۰۰۵ یا سایت اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۰، آژانس نپذیرفته که از مراکز بمباران شده به شکل ویژه یا با محدودیت بیشتر بازرسی کند. باید دید پیشنهاد ایران مورد پذیرش آژانس قرار می گیرد یا نه. فعلا، ایران این است که توافق قاهره به این معنا بوده که آژانس پذیرفته با ساز و کار جدیدی در فوردو و تلزن و اصفهان وارد شود، افزون بر این اختلاف نظر حقوقی، سرنوشته ۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصد، برای آژانس، اروپا، آمریکا و اسرائیل بسیار مهم است. بنابراین ایران سعی می کند بدون گرفتن امتیازی بزرگ، زیر بار نرود. یعنی یک امتیاز بگردد و سپس امتیاز بدهد.

راه حل میانه

این تحلیلگر امور بین الملل در ادامه تأکید کرد: ایران می خواهد دور جدید مذاکرات را شروع کند. مشروط بر این که همانطور که آقای عراقچی هم اخیرا گفته آمریکا هم شرط غبی سازی ایران را بپذیرد و بعد ایران توافق قاهره را انجام دهد، اما نمی دانیم که این وضعیت تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. اگر طرف مقابل امتیاز ندهد، تجربه نشان داده که ایران معمولا سعی می کند یک راه حل میانه پیدا کند که آژانس وارد فضای تنش با ایران نشود چون مجددا در ماه مارس (حدود ۳ ماه دیگر) جلسه فصلی شورای حکام برگزار می شود و ممکن است این بار روایی ها بخواهند پرونده را به شورای امنیت بفرستند تا فشارها را بر ایران افزایش دهند. حدس من این است که ایران یک راه حل میانه پیدا می کند. این را در نظر داشته باشیم که طرف مقابل در مورد آژانس حساسیتی نداشته و ایران هر اندازه همکاری کرده، استقبال شده است. تنها منبع آنها هم آژانس نیست. نهادهای جاسوسی و منابع دیگری هم برای جاسوسی و کسب اطلاعات دارند. در ۲۳ خرداد هم معلوم شد که آنها حتی از مکان هایی که مورد بازدید آژانس نبود اطلاعات داشتند، با حتی از طریق تصاویر ماهواره ای به اطلاعاتی دست پیدا می کنند. اهمیت آژانس در این است که یک نهاد فنی است و اعتبار و مشروعیت دارد. بازرسان آژانس با چشم و مشروحه حدس زده می شود، می بینند و این مهم است. به رغم پیشرفت های تکنولوژیک همچنان نظر نیروی انسانی مهم است. بنابراین، اگر ایران راه حل میانه ای پیدا کند، آمریکا و اروپا هم استقبال می کنند.

«آرمان ملی» در گفت وگو با احمد بخارایی مطرح می کند

«مشارکت پذیری»

آسیب های جامعه

را کاهش می دهد

انزوای اجتماعی حاصل عدم مشارکت پذیری

نسل جدید در خلاء آموزشی رشد می کند

آرمان ملی – سیاوش پورعلی: درک و پذیرش اهمیت «مشارکت پذیری» در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، یکی از پیش شرط های اساسی پایداری و توسعه هر جامعه است. آنچه مشارکت نام دارد صرفا به معنای حضور صوری افراد در فرآیندهای رسمی نیست، بلکه پیانگر احساس تعلق، مسئولیت پذیری و یاور به اثرگذاری فرد در سرنوشت جمعی است. جامعه ای که در آن مشارکت به عنوان یک ارزش نهادینه نشده باشد، به تدریج باگسست میان مردم و نهادها، فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی مواجه می شود. این فرایند، نه ناگهانی، بلکه تدریجی و انباشتی است و پیامدهای آن در بلندمدت، بنیان های اجتماعی و اقتصادی جامعه را متزلزل می کند. در حوزه اجتماعی، مشارکت پذیری نقش محوری در تقویت پیوندهای انسانی و شبکه های حمایتی ایفا می کند. زمانی که افراد امکان مشارکت واقعی در تصمیم گیری ها، فعالیت های جمعی و نهادهای اجتماعی را نداشته باشند، احساس دیده نشدن و طردشدگی در آنان تقویت می شود. این وضعیت به انزوای اجتماعی، کاهش حس همبستگی و افزایش فردگرایی افراطی می انجامد؛ وضعیتی که در آن منافع فردی جایگزین منافع جمعی می شود و جامعه به سمت اتیمیزه شدن حرکت می کند. در چنین شرایطی، آسیب های اجتماعی نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه بازتولید و تعمیق می شود. در عرصه اقتصادی، مشارکت پذیری به معنای فراهم بودن بستر برابر برای حضور افراد در تولید، تصمیم سازی و بهره مندی از فرصت هاست. نبود مشارکت اقتصادی واقعی، به شکل گیری اقتصاد رانتی، حذف نیروهای متخصص و تضعیف شایسته سالاری منجر می شود. وقتی افراد احساس کنند که نقش، توان و تخصصی آنان در ساختار

اقتصادی نادیده گرفته می شود، انگیزه ای برای سرمایه گذاری، نوآوری و تلاش جمعی باقی نمی ماند. نتیجه این فرآیند، افزایش بیکاری، گسترش فقر و کاهش بهره وری کلان اقتصادی است؛ مسائلی که خود به تشدید نابرابری و بی ثباتی اجتماعی دامن می زنند. همچنین باید اشاره کنیم که در بعد فرهنگی، مشارکت پذیری زمینه ساز پویایی، خلاقیت و بازتولید ارزش های مشترک است. فرهنگ زمانی زنده و اثرگذار می ماند که گروه های مختلف اجتماعی امکان بیان، گفت وگو و نقش آفرینی داشته باشند. محدود سازی مشارکت فرهنگی، به یک دست سازی اجباری، بی اعتمادی فرهنگی و فاصله گرفتن نسل ها از نهادهای رسمی منجر می شود. در این وضعیت، فرهنگ رسمی قدرت اقناع خود را از دست می دهد و میدان برای الگوهای جایگزین، بعضا ناسازگار با منافع جمعی، فراهم می شود. مشارکت پذیری در حوزه سیاسی را باید ستون فقرات مشروعیت و کارآمدی هر حکمرانی دانست. کاهش مشارکت سیاسی نشانه ای روشن از شکاف میان جامعه و ساختار قدرت است. وقتی شهروندان باور نداشته باشند که حضورشان تأثیر واقعی دارد، سیاست به امری بیگانه و بی معنا تبدیل می شود. پیامد این وضعیت، کاهش اعتماد، افزایش بی تفاوتی و در مواردی بروز ناراضیاتی های پنهان و آشکار است. در مجموع، عدم مشارکت پذیری، جامعه را وارد چرخه ای معیوب می کند که در آن بحران های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یکدیگر را بازتولید می کنند. بازگشت به مسیر توسعه و انسجام، بدون بازسازی بسترهای مشارکت واقعی و معنادار، ممکن نخواهد بود. در این مورد با احمد بخارایی، جامعه شناس سیاسی مصاحبه ای انجام داده ایم که می خوانید.

یک جامعه اگر کارکردی، منسجم و هماهنگ داشته باشد، همه اجرای آن قابل دفاع خواهند بود؛ اما اگر جامعه ای فاقد کارآمدی لازم باشد و در آن شکاف های اجتماعی رخ خواهند داد، این چالش ها تنها بستگی به یک نهاد مانند دولت ندارد بلکه در تمامی لایه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... تأثیرات منفی برجای خواهد گذاشت. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که آنچه بحران مشارکت سیاسی به وضوح قابل مشاهده است و همین چالش را می توانیم به عنوان ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و... بدانیم، چالش مشارکت سیاسی نسل جدید، در برآمدهای اجتماعی نیز به طور کامل همواره تکرار می شود. فرد وارد مدرسه می شود؛ مدرسه ای که باید مهم ترین نهاد جامعه پذیری او باشد. در این فضا، معلم باید به طور طبیعی گروه مرجع و الگوی رفتاری دانش آموز تلقی شود، اما در عمل چنین نیست. همین جا بحران در بخش اجتماعی به وضوح نمایان می شود. امتیازهای معادل دانش آموزان در مقطع دبیرستان به زیر ۱۰ رسیده است. چنین فاجعه ای را در هیچ جامعه ای مشاهده نمی کنیم. وقتی کودک و نوجوان فاقد گروه مرجع باشد در نتیجه رها شده است. با این وجود باید بگویم که نسل جدید با خلاءهای آموزشی روبه رو است و چنین افرادی آمادگی پذیرش هر نوع الگوی رفتاری انحرافی را نخواهد داشت.

آیا این روند آموزشی نهاد مدراس است؟ خیر، این وضعیت تنها به آموزش و پرورش محدود نمی شود؛ دانشگاه نیز به همان روند رادر پیش گرفته اند. رسانه ها هم امروز همین وضعیت را دارند. سوال این است که آیا رسانه، کتاب، یا صداوسیما می با این حجم از شبکه های رادیویی و تلویزیونی، از کارکرد مناسب برخوردار است؟ آیا توانسته مخاطب واقعی جذب کند؟ آیا توانسته اعتماد عمومی را به دست آورد؟ بنابراین، ابعاد اجتماعی در همه جا دچار اختلال است. فرد به تدریج از جامعه جدا می شود، منزوی می گردد و جامعه از درون در حال اتیمیزه شدن است. ما شرایطی را مشاهده می کنیم که بیش از نیمی از فارغ التحصیل های مایکار هستند.

این مورد با وضعیت اشتغال و بیکاری هم در ارتباط دارد؟ ارتباطی مستقیم دارد. زیرا فرد بعد از اتمام تحصیل به دنبال شغل مورد نظر می رود و شاید سال ها برای رسیدن به فرصت های حداقلی تلاش کند و در نهایت به تنها ستنش از بهروری در بازار کار می گردد بلکه برای دیگری در مشاغل دیگر هم برنامه ای نمی تواند داشته باشد. به همین دلیل شاهد رواج بیکاری هستیم. وقتی بیکاری وجود دارد، درآمدی هم در کار نیست، فقر رشد می کند و زنجیره ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی به وجود می آید. آیا می توان انتظار داشت جامعه ای که در عرصه های سیاسی و اجتماعی دچار بحران است، در عرصه اقتصادی مشارکتی معنادار و سامانی پایدار داشته باشد؟

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود. اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد. نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند. اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود. و وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود. کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند. یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.

اگر دولت هم اکنون دستمزدها را حتی فقط ۵۰ درصد افزایش دهد نیز احتمال بحران وجود دارد.

نگاهی به دستمزدهای تأمین اجتماعی داشته باشید، تأمین اجتماعی بر اساس یکی از تصورهایی که نمایندگان مجلس تصویب کرده اند، صندوق های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده اند.

اگر تورم کشور کنترل نشود با ۱۰ درصد و ۲۰ درصد افزایش حقوق، هیچ مشکلی حل نمی شود.

وضعیت لحظه به لحظه بدتر هم می شود.

کارمندان دولت و بازنشستگان به علت فشارهای اقتصادی درگیر «توهم پولی» شده اند.

یعنی فکر می کنند به محض افزایش حقوق، مشکلاتشان حل می شود، غافل از این که وضعیت بدتر هم می شود.

دولت یک بازنگری جدی در تصمیمات خود انجام ندهد، شرایط بسیار خطرناک تر می شود.